



تاکید بر حفظ هویت «عودلاجان»

وزیر میراث‌فرهنگی بر ضرورت حفاظت از هویت فرهنگی تاریخی محله عودلاجان تأکید کرد. به گزارش مهر، سیدرضا صالحی امیری، وزیر میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، با حضور در محله عودلاجان و امامزاده یحیی (ع) ضمن زیارت و بازدید از این بقعه تاریخی، طرح حفاظت و ساماندهی بافت تاریخی عودلاجان را بررسی کرد. در این نشست و بررسی میدانی، مسئولان حاضر توضیحاتی پیرامون تهیه طرح، فرآیندهای اجرایی و ملاحظات فنی و فرهنگی مرتبط با طرح حفاظت و ساماندهی و توسعه این مجموعه ارائه کردند. طرح مزبور که با هدف حفاظت از کالبد تاریخی، همچنین ساماندهی و توسعه فضاهای عملکردی امامزاده در دستور کار قرار دارد، در کمیسیون ماده ۵ سازمان نوسازی شهرداری تهران در حال بررسی است. وزیر میراث‌فرهنگی پس از استماع گزارش‌های کارشناسی، با اشاره به اهمیت تعامل میان دستگاه‌های اجرایی برای تحقق اهداف موردنظر، دستور برگزاری جلسه‌ای مشترک با حضور شهرداری تهران و شورای تخصصی میراث‌فرهنگی را صادر کرد تا ابعاد مختلف طرح ساماندهی ارائه شده از سوی شهرداری، از منظر ملاحظات فرهنگی، تاریخی و شهرسازی بررسی شود.



کشته‌شدن روزانه ۴۸ نفر در تصادفات کشور

مرکز اطلاع‌رسانی پلیس راهور فراجا اعلام کرد که به‌طور میانگین روزانه ۴۸ نفر در تصادفات کشور کشته می‌شوند. به گزارش ایسنا، مرکز اطلاع‌رسانی پلیس راهور فراجا اعلام کرد: مهم‌ترین علت‌های تصادفات در کشور ما، سرعت غیرمجاز و عدم رعایت فاصله طولی مناسب است که ۳۰ درصد از این تصادفات بر همین اساس رخ می‌دهند. علاوه بر این، ۲۰ درصد تصادفات به‌علت رانندگی خطرناک و سبقت غیرمجاز، ۱۵ درصد به‌علت خستگی و خواب‌آلودگی، ۱۵ درصد به‌علت کیفیت و نقص ایمنی خودرو، ۱۰ درصد به‌علت نابلین بودن جاده‌ها و ۱۰ درصد به‌علت عدم توجه به علائم و استفاده از تلفن همراه رخ می‌دهد. در سال گذشته، ۲۰ هزار و ۴۵ نفر در تصادفات کشور جان خود را از دست داده‌اند و در مجموع در ۱۰ سال گذشته، ۱۷ هزار نفر سالیانه در تصادفات کشور جان خود را از دست می‌دهند و این آمار روزانه ۴۸ نفر می‌رسد.



نظر شورا، حکم نهایی است

دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی تأکید کرد که تصمیمات شورای عالی آموزش و پرورش در خصوص مصوبه تأثیر معدل در کنکور به‌عنوان مصوبه قطعی تلقی می‌شود. به گزارش مهر، خسروپناه در خصوص نظر شورای عالی انقلاب فرهنگی در موضوع نحوه تأثیر سوابق تحصیلی در پذیرش دانشگاه‌ها گفت: «نظر و تصمیمات شورای عالی آموزش و پرورش در این مسئله، مصوبه نهایی است.» او اضافه کرد: «در خصوص مصوبه تأثیر معدل، شورای عالی انقلاب فرهنگی تأثیر پایه‌های یازدهم و دوازدهم را مصوب کرد اما این مسئله جزئیاتی داشت. شورای عالی انقلاب فرهنگی مصوب کرد که در خصوص جزئیات این مسئله نظیر اینکه چه درسی در پایه یازدهم برای کنکور مؤثر باشد یا در خصوص جزئیات دیگر نظر شورای عالی آموزش و پرورش نهایی نباشد و به‌عنوان مصوبه قطعی تلقی شود.»

نیست و ارزش‌هایش دگرگون شده، آیا برایش الگوی درستی مبتنی بر این سبک زندگی وجود دارد؟»

▲ **امین، دانشجوی حقوق دانشگاه امام صادق، متولد سال ۸۲:**

«پرنگ‌ترین ویژگی نسل‌زد، جسارت است، این جسارت هم به‌دلیل تربیت والدین‌شان که دهه‌های ۶۰ و ۵۰ هستند، ایجاد شده است؛ نسلی که خودشان را سوخته می‌دانند، نسلی که عقده دارند و می‌خواستند فرزندان‌شان بدون عقده بزرگ شوند. آنها انقلاب و جنگ را گذرانده‌اند و مسائل مذهبی برایشان بسیار مهم بود. نسل‌زد اما تمایل به چالش دارد، مشکل اینجاست که ایندولوی آنترناتیو ندارد، قبل از انقلاب در سال ۵۷، عادی‌ترین کتابی که در میان دانشجویان دست‌به‌دست می‌شد، کتاب سرمایه حقوق مارکس بود. در حال حاضر نسلی که در میان اندیشمندان و جمع‌های روشنفکری باشد، کم است، نسلی که سیاست، حقوق، فلسفه و... بخواند. همه چیز نسل‌زد، فست‌فودی است و با تفکرات و ایندولوی‌های متفاوت مواجهه عمیقی ندارد. این نسل نیاز به گفت‌وگو دارد، از ذیل گفت‌وگو می‌توان به نتایج مهمی رسید. گفت‌وگو، اول مسیر است.»

▲ **متولد دهه شصتی که دکترای روانشناسی دارد و در حوزه اعتیاد اینترنتی کار می‌کند:**

«آخرین بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که سن نوجوانی تا ۲۲ سالگی افزایش یافته است، ما در دوره نوجوانی با بحث گذر از بحران هویت مواجه‌ایم و همین حالا هم شکل‌گیری هویت جنسی، فردی، خانوادگی و اجتماعی نسل‌زد ما با تأخیر مواجه است؛ چراکه جامعه ما از یک جامعه سنتی در حال ورود به یک جامعه مدرن است. این در حالی است که ساختار حکمیتی هم نوجوانان را به رسمیت نشناخته، کودک‌بزرگسال را می‌شناسد اما نوجوان را نه. حتی بودجه‌ای برایش در نظر گرفته نمی‌شود. چشم‌اندازهایی که برای جوانان و نوجوانان ترسیم می‌شود، وقتی به عمل می‌رسد، دستیابی به آنها هم سخت می‌شود. اگر حس مطالبه‌گری و کنشگری را از نوجوانان و جوانان بگیریم، دیگر نمی‌توانیم به آینده ایران امیدوار باشیم. یکی از معضلاتی که در حوزه نوجوان و جوان دیده می‌شود این است که آنها ادبیات مشترک‌شان را از موج‌های مختلف رسانه‌ای می‌گیرند، یعنی خودشان نتوانسته‌اند این موج را ایجاد کنند. اصالت خاصی در میان آنها دیده نمی‌شود.»

▲ **الهام مراد، تسهیلمگر توسعه محلی و دبیر انجمن علمی توسعه اجتماعی دانشگاه تهران، متولد دهه ۶۰:**

«من در دو موقعیت با نسل‌زد در ارتباط بوده‌ام، یک بار که به‌عنوان تسهیلمگر کنش‌شان بودم و خیلی از آنها موختم یکی هم تعاملی که با تشکل‌های دانشجویی در دانشگاه دارم. نسل‌زد، ما را به یاد امیر محمد خالقی، دانشجوی دانشگاه تهران می‌اندازد که چندوقت پیش جانش را از دست داد. او نماد یک نسل‌زدی بود، در روستا درس خوانده بود، به تهران آمده بود برنامه‌نویسی می‌کرد. بعد از حادثه‌ای که برای او پیش آمد، شاهد کنشگری قابل توجه نسل‌زدی‌ها بودیم، آنها برای داشتن کوچه و محیطی امن اعتراض کردند، بنابر این بی‌انصافی است اگر بگوییم نسل‌زد، کنشگر نیست. اما سوال اینجاست که آیا نسل‌زد، یک‌دست است؟ یا اینکه با گروه‌های مختلفی که هرکدام به فضایی تعلق دارند، کار می‌کنند؟ آنها شیوه جدیدی از تعامل با نابرابری دارند، ما متولدان دهه ۶۰ سرکوب شدیم. ما تلاش می‌کردیم غم بزرگمان را تبدیل به کار بزرگ کنیم، اما نسل‌زد اینطور نیست، او در برابر نابرابری مصیبان می‌کند. اگر توجه کنید آخرین نسلی که در نهاد‌های مدنی مشغول به فعالیت هستند همین متولدان دهه ۶۰ هستند. کنشگری نسل‌زدی‌ها، متفاوت است، ما دهه شصتی‌ها دنبال نجات جهان بودیم، اگر یک نسل‌زدی کارزاری راه می‌اندازد و خواستار لغو کنکور است، به این دلیل است که اول می‌خواهد خودش را نجات دهد، هر چند هنوز به بلوغ کنشگری در این نسل نرسیده‌ایم اما همچنان می‌توان به آنها امید داشت. چراکه از خطای شناختی نجات دیگری دهه ۶۰، گذر کرده‌اند. امیدواریم که کارزار ابزار خوبی برای کنشگری این نسل شود؛ جایی که افراد نه به نمایندگی از دیگری که صدای خودشان را بلند کنند.»

▲ **سارا سهم‌الدینی، متولد سال ۷۷ و فارغ‌التحصیل زبان فرانسه از دانشگاه شهید بهشتی:**

«به ما می‌گویند نسل تبیل، اما نسل ما ابزارگراتر است. ما تلاش می‌کنیم از ابزارهای موجود نهایت استفاده را کنیم. می‌خواهیم بیشتر ناظر باشیم و کنشگری را در این می‌بینیم که سر بزنگاه، وارد ماجرا شویم و بگذاریم قدم‌به‌قدم اتفاق رخ دهد. در سال ۱۴۰۱ هم به‌موقع وارد عمل شدیم و آن کاری که باید را انجام دادیم. اتفاقات سال ۱۴۰۱، برای روزه ما کافی است. ما آدم‌هایی بی‌خیالی نیستیم، ما از زندگی خودمان گذر کردیم تا کار ویژه‌ای انجام دهیم.»

▲ **علی مرادزاده، فارغ‌التحصیل مهندسی کامپیوتر دانشگاه آزاد کرج، متولد سال ۸۲:**

«نسل‌زد کرج، زیاد اهل درس خواندن نیستند و به همان اندازه هم دنبال مطالبه‌گری نیستند. انگار به‌صورت سیستماتیک امید آدم‌های این نسل را گرفته‌اند. آنها می‌گویند اگر حرفی بزنی یا مطالبه‌ای کنیم، چه کسی می‌شود و چه کسی می‌خواهد عمل کند.»

▲ **محمد رضا، متولد دهه ۷۰، ورودی سال ۹۳ دانشگاه تبریز:**

«آن زمان که من وارد دانشگاه تبریز شدم، تمام انجمن‌های دانشجویی تعطیل بودند، فضای مه‌گرفته‌ای روی دانشگاه حاکم بود، انجمن اسلامی دانشگاه تبریز که از سال ۶۴ فعال بود، فعالیتش را متوقف کرده بود، هر چند تلاش می‌کردند افراد را دوباره دور خودشان جمع کنند و دوباره این انجمن را بازگشایی کنند. مسئله این است که تمامیت‌خواهی در بسترهای جامعه، موج می‌زند. تا قبل از سال ۱۴۰۱، این احساس وجود داشت که نسل‌زد، متشکل نیستند و نمی‌توانند با هم حرف بزنند، البته یک مسئله ویژگی زمانی است، مثل اینکه در دوره ما اینترنت در دسترس بود، البته این مسائل تنها مربوط به ایران نیست. در آمریکا هم جنبش ویکس و کنسل کالج، فعال است. نسل‌زد از هر بستری استفاده می‌کند تا حرفی بزند، کنسل کالج و ویکس را باید جدی گرفت. ماجرا بیش از آنکه بحث زمانه باشد، به جنس زندگی ارتباط دارد.»

▲ **فائزه فراهانی، دانشجوی علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی:**

«نفوذ نسل‌زد در دانشگاه بسیار زیاد شده است، ما نشست‌هایی برگزار می‌کنیم و اساتید نمی‌توانند مثل قبل حرف بزنند، آنها رویکردشان را تغییر داده‌اند و تلاش می‌کنند به‌روز باشند. اتفاقات ۱۴۰۱، هم از سوی همین نسل اتفاق افتاد. امیدوارم در سال‌های آینده بتوان فعالیت‌های گسترده‌تری انجام داد تا این نسل بیشتر مورد توجه قرار گیرد.»

▲ **تینا، متولد سال ۸۴:**

«نسل ما از کنشگری مدنی یا فعالیت مدنی درک درستی ندارد، فعالیتی که انجام می‌دهند صرفاً یک فعالیت است، ما می‌گوییم حضور این افراد در جامعه باید پررنگ باشد، اما نمی‌بینیم که این حضور به نتیجه رسیده باشد. ما در انتخابات اخیر شاهد بودیم که ستادها خالی از دهه هشتادی‌ها بود، آنها بیش از آنکه به نتیجه فعالیت‌های مدنی اعتقاد داشته باشند، به تغییر کلی اعتقاد دارند.»

▲ **آرین، متولد سال ۸۴:**

«برخی از دوستان می‌گویند که دانشجویان ناامید هستند، اما این ناامیدی از حاکمیت شروع شده که به آنها میدان نمی‌دهند تا حرف‌شان را بزنند و برای آینده خودشان تصمیم بگیرند. به نسل‌زد گفته می‌شود شما هنوز به آن درک لازم نرسیده‌اید.»

▲ **علیرضا، متولد سال ۷۹:**

«دغدغه فعلی، چگونگی کنشگری نسل‌زد است. من فکر می‌کنم آنچه در نسل‌زد وجود دارد، سلطه‌ناپذیری است. ما با نسلی رویه‌رو هستیم که ارزش‌هایش به‌شدت دگرگون شده است، نسلی که وارد ساختار رسمی نمی‌شود و کنشگری رسمی هم نمی‌کند. سوال این است که برای نسلی که سلطه‌پذیر



کرده، به همین دلیل است که در کنشگری‌های مدنی و بعضاً سیاسی، حضور پررنگی ندارد. نکته دیگر مربوط به ساختار حاکمیتی می‌شود. ما با یک حاکمیت تمرکزگرا و سلطه‌طلبی مواجه‌ایم که نهاد مدنی را به رسمیت نمی‌شناسد، چه رسد به کنشگری مدنی. همین موضوع باعث می‌شود تا کنشگری نهاد‌های مدنی تضعیف شود. در قوانین نهاد‌های مدنی به رسمیت شناخته شده‌اند، در اجرا نه، نکته بعدی در ارتباط با این نسل، تغییر قالب کنشگری اوست. اگر گوشی تلفن همراه را از این نسل بگیریم، او دیگر همان اندک کنشگری را هم نخواهد داشت و حتی دیگر نمی‌تواند با واقعیت‌های جامعه آشنا شود، درک‌شان کند و حتی نمی‌تواند با آنها مواجه شوند.»

▲ **محمد شهبازی، دانشجوی رشته علوم کامپیوتری دانشگاه تهران:**

«مانسل‌زد، از ابتدا داخل گوشی‌های تلفن همراه مان زندگی کرده‌ایم، اگر این گوشی را از ما بگیرند، هیچ فعالیت اجتماعی نخواهیم داشت. ما داخل جمع نبوده‌ایم، دوستان مان را همان‌جا پیدا کرده‌ایم. شاید برای اینکه بتوان کنشگری از سوی این نسل دید، باید آنها رودرروی هم بنشینند. شاید اینگونه فعال تر شوند.»

▲ **علی متولد سال ۸۴، دانشجو:**

«من همیشه در حوزه‌های مختلف فعال بودم و اعتراض کردم، اما همیشه به‌دوایم خوردم و فهمیدم که هیچ کاری نمی‌شود انجام داد. این نسل با نسل‌های دیگر تفاوت دارند، حتی تفاوت‌شان جزئی نیست، این نسل خسته و ناامید است. اینطور نیست که به امید تغییر کارزاری ثبت کند. وقتی می‌گویند کارزاری برای توقف فیلترینگ بزنید، آنها می‌گویند به جای یک فیلترشکن پیدا کنید که خوب جواب دهد. او این سوال را می‌پرسد که چرا باید برای این کشور بجنگد. چرا باید ماند؟ همه رفته‌اند.»

درصد بود اما در سال ۱۴۰۲ این عدد به ۵۸ درصد رسیده بود. به‌هر حال هنوز ۴۰ درصد به خانواده اعتماد ندارند اما روندی که طی شده نشان‌دهنده افزایش اعتماد به خانواده بوده است. البته نکته مهم این است، قبل از اینکه برویم سراغ داده‌ها، مفاهیم ذهنی ما باید انعطاف بیشتری داشته باشد. ویژگی دیگر این نسل، تأکید بر صداقت و مخالفت با ریاکاری و دروغ‌گویی است. ریاکاری برای آنها به‌شدت به‌عنوان ارزش‌های منفی شناخته می‌شود. مسئله دیگر اینکه، در میان خود نسل‌زد هم تفاوت‌های زیادی وجود دارد، شاید یک ویژگی مشترک در میان تمام آنها همان بومی فناوری بودن‌شان است که باعث شده اسم‌شان بشود نسل‌زد. بنابراین نوجوانانی که در زاهدان و اراک یا جنوب شهر تهران زندگی می‌کنند قطعاً با هم تفاوت دارند، ما وجه اشتراک‌شان را در بومی فناوری بودن‌شان می‌دانیم. گفته می‌شود بی‌هویتی، هویت نسل‌زد است، ما مفهومی تحت‌عنوان انومی داریم به‌معنی بی‌هنجاری؛ یعنی هیچ‌هنجار مسلطی در جامعه حاکم نیست. جامعه‌شناسی انومی، حکایت از یک وضعیت بد دارد، یعنی وقتی جامعه انومی می‌شود، شرایط بدی ایجاد شده است، اما حالا گفته

می‌شود این نسل انومیک است، ما این را می‌توانیم به‌عنوان تفاوت میان نسل‌زد و نسل‌های قبلی بدانیم. مثلاً برای نسل‌های گذشته یک محتوایی مبتذل و زشت است اما برای نسل جدید همان محتوا مبتذل نیست. برای نسل‌زد، محتوا معنای متفاوتی دارد. بر همین اساس برای اینکه بتوانیم با این نسل زبان مشترکی داشته باشیم، باید مفاهیم و ارزش‌ها را به‌هم نزدیک کنیم. شاید هم حرفی که می‌زند که بی‌هویتی، هویت‌شان است، جمله درستی باشد. نکته دیگر اینکه، همواره در باره میزان درک و فهم این نسل پرسیده می‌شود که شاید درست هم نباشد. اتفاقاً از نظر من، نسل‌زد به‌دلیل تنوع منابعی که دارد، درک عمیق‌تری از مسائل دارد. یک ۲۰ ساله نسل‌زد، از ۲۰ ساله دهه ۶۰ اطلاعات بیشتری دارد، چراکه اطلاعاتش را از منابع زیادی می‌گیرد. این نسل راحت به خودش اجازه می‌دهد که تجربه کند و این مسئله منجر به بلوغش می‌شود. نمی‌توان گفت که نسل‌زد، شجاع‌تر از نسل قبلی خود باشد، اگر اینطور باشد، کسانی که در سال ۵۷ انقلاب کردند، شجاع نبودند؟ یا کسانی که به جنگ رفتند یا در سال ۸۸ در خیابان‌ها اعتراض کردند، شجاع نبودند؟ اساساً جوانان شجاع و جسورند.

برای ایندولوی‌اش جان نمی‌دهد. البته به این معنی نیست که آرمانی نداشته باشد، برابری، آزادی و عدالت برایش مهم است اما اینکه بخواهد زندگی‌اش را فدا کند، اینطور نیست. به همین دلیل گفته می‌شود آنها نسل خودخواهی هستند. نکته دیگر اینکه برای این نسل، شخصیت‌های ملی، بُت نیستند و جایگاهی برایشان ندارند، به‌جای آن، شخصیت‌های کارآفرین و علمی مورد توجه قرار گرفته‌اند. این شخصیت‌ها برای نسل‌زد، مرجعیت بیشتری دارند، به همین دلیل زودتر مستقل می‌شوند، زودتر دنبال مهارت و درآمدزایی می‌روند. مسئله دیگر، اهمیت جایگاه خانواده برای نسل‌زد است. قبلاً این تصور وجود داشت که نسل‌زد، ارتباط خوبی با خانواده ندارد اما در موج چهارم پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان که سال گذشته منتشر شد نشان داد که اتفاقاً این نسل بیشترین اعتماد را به خانواده دارد، یعنی در مقایسه با پزشکان، معلمان و... این نسل، بیش از همه به خانواده اعتماد دارد. البته یکی از دلایلش ممکن است این باشد که این نسل تربیت‌شده متولدان دهه ۶۰ هستند و در واقع با والدین‌شان دوست هستند. براساس نظرسنجی که در سال ۹۴ انجام شد، میزان اعتماد به خانواده ۲۸